



جامعه



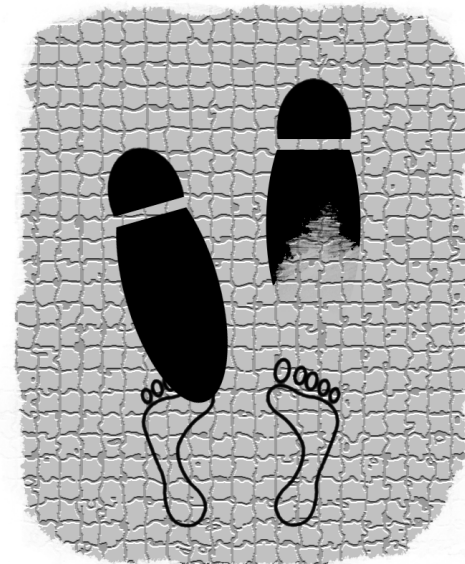
مقاله

ناوان تولد

نقد و بازپژوهی پرونده‌ی کودکان در ایران

محمد مهدی بخارایی

m_m_bokhar@yahoo.com



طرح: علی مفیدی، نگاره تازه

کودکان شهروندانی هستند که معمولاً توان دفاع از حقوق خویش را ندارند و عملاً نمی‌توانند از دست پدر و مادر و یا دیگر کسانی که ممکن است حقوق آنها را پایمال کنند، به دادگاه شکایت برند.

از این رو در طی تاریخ کودکان بیش از همه تحت ستم قرار داشتند. خشونت، محروم کردن کودکان از تحصیل و تابعیت، به کار گرفتن و استعمار جسمی و جنسی کودکان از معمول اشکال ستم بر کودکان در جهان می‌باشد. به این خاطر وضعیت کودکان در هر جایی از جهان نمادی گویا از وضعیت حقوق بشر است و می‌توان گفت هر جایی که کودکان خوشبختند حقوق بشر نیز به همان درجه پیشرفته می‌باشد.

در این نوشتار به وضعیت کودکان در ایران پرداخته ایم.

آموزش کودکان:

تعداد کودکانی که کار می‌کنند، حدوداً برابر کودکانی است که آموزش نمی‌بینند. کودکانی که کار می‌کنند معمولاً تحصیل را نیز رها کرده‌اند، مگر کودکانی که تنها در فصل تابستان مشغول کار هستند که تعداد کمی را شامل می‌شوند. اکنون در ایران ۶ میلیون کودک بازمانده از تحصیل داریم.

محمد مهدی زاده مدیرکل وقت آموزش پایه نهضت سوادآموزی گفته است: «برای تعریف کودکان بازمانده از تحصیل، انواع فواصل سنی ذکر شده است. در این تعاریف به کودکان ۶ تا ۱۰ ساله، ۶ تا ۱۵ ساله، ۶ تا ۱۸ ساله‌ای اشاره شده که یا به مدرسه نرفته‌اند، یا ترک تحصیل کرده‌اند و یا بی‌سوادند. در ایران گروه سنی ۶ تا ۱۸ ساله‌ای که بی‌سوادند و یا قبل از اتمام تحصیل مدرسه را ترک کرده‌اند، کودکان بازمانده از تحصیل هستند که حدود پنج تا شش میلیون نفر را شامل می‌شوند.» [۱]

«منوچهر فضلی خانی» مدیرکل وقت دفتر آموزش و پرورش راهنمایی تحصیلی وزارت آموزش و پرورش گفته است: «از مجموع ۴ میلیون و ۶۹۰ هزار دانش آموز لازم‌التعلیم که مقطع ابتدایی را گذرانده‌اند، ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر (حدود ۹۱ درصد) در مدارس راهنمایی تحصیلی می‌کنند و ۳۹۰ هزار نفر (حدود ۹ درصد) از تحصیل باز مانده‌اند.» [۲]

قوانین کودکان:

سن مسؤلیت کیفری:

طبق ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰: «اطفال در صورت ارتکاب جرم میرا از مسؤلیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء کانون اصلاح و تربیت می‌باشد.» تبصره ۱ ماده ۴۹ قانون مذکور در تعریف طفل مقرر می‌دارد: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.» بلوغ شرعی طبق تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی ایران، در دختر ۹ سال و در پسر ۱۵ سال تمام قمری است.

در ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک که ایران نیز به شکل مشروط به آن پیوسته، چنین آمده است: «مطابق این پیمان نامه، یک کودک، انسانی است که سن هجده سالگی را هنوز تمام نکرده است، مگر اینکه سن بلوغ از نظر حقوق

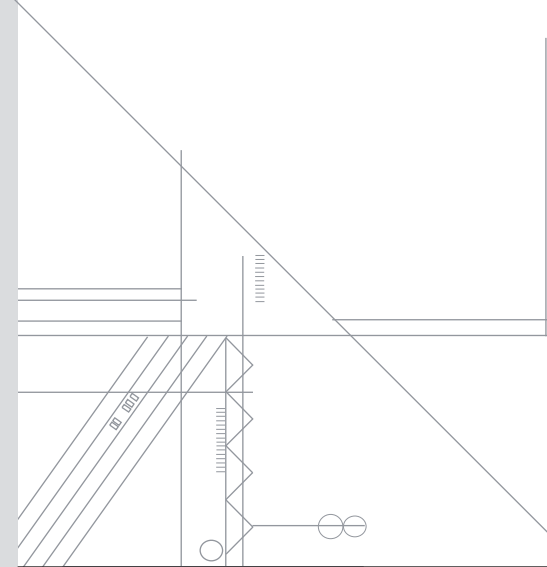
وضعیت کودکان در هر جایی از جهان نمادی گویا از وضعیت حقوق بشر می‌باشد و می‌توان گفت هر جایی که کودکان خوشبختند حقوق بشر نیز به همان درجه پیشرفته است

نگاره تازه

سال هشتم

شماره ۱۲

بهار ۸۶



جاری در کشورهای مربوطه زودتر تعیین شده باشد. »

طبق ماده ۲۲۵ آئین دادرسی کیفری رسیدگی به همه جرایم اطفال به طور غیرعلنی برگزار می شود. ذیل همین ماده قید شده است: «انتشار جریان دادگاه از طریق رسانه های گروهی و یا فیلمبرداری، تهیه عکس، افشای هویت و مشخصات طفل متهم، ممنوع است و متخلف به مجازات قانونی مندرج در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.»

علاوه بر آن مواد ۲۲۶ و ۲۲۷ قانون یاد شده، رسیدگی در مراحل از دادرسی در غیاب کودک بلامانع است، اما رای دادگاه حضوری است. در رسیدگی به جرایم غیراطفال در صورت وجود فرد، شرکت او در کلیه مراحل دادرسی ضروری است.

طبق مواد ۲۲۹ و ۲۳۰

قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و انقلاب آرای صادر شده دادگاه برای کودکان حتی در طول اجرای حکم قابل تجدیدنظر می باشد و در جلسات رسیدگی دادگاه کودکان از متخصصان روانی و تربیتی استفاده می شود.

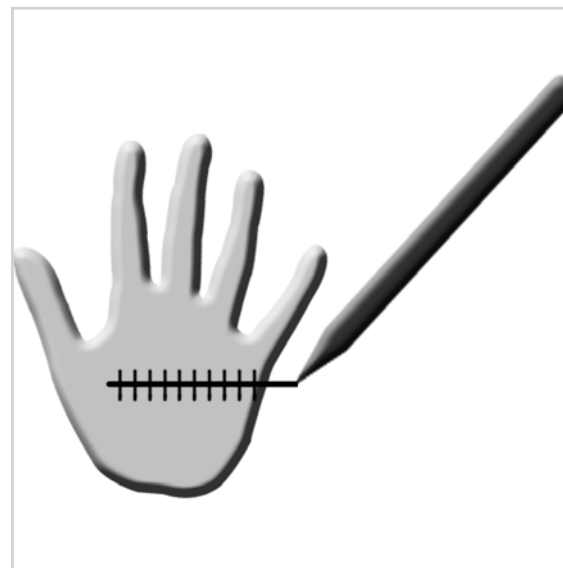
جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۳ به کنوانسیون حمایت از حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ پیوست، با شرط اینکه اگر یکی از موارد آن کنوانسیون مغایر با اسلام باشد به آن عمل نکند.

سن تعقیب کیفری اطفال

در ایران از ۶ سالگی آغاز می شود. این سن در اردن ۷ سالگی، در سوریه ۱۲ سالگی، انگلیس ۱۰ سالگی و در آرژانتین، اسپانیا و بلژیک از ۱۶ سال است. در میان کشورها، کوپا سن تعقیب کیفری بالایی دارد حتی گاهی افراد را تا ۲۰ سال قابل تعقیب نمی داند. [۳]

در فاصله سنی ۶ تا ۱۸ سال، حد بلوغ شرعی برای اطفال ممیز قرار داده شده، یعنی اطفال به دو دسته ممیز و غیرممیز تقسیم می شوند و زمانی که به حد بلوغ شرعی می رسند (دختران ۹ سال تمام و پسران ۱۵ سال تمام) ممیز محسوب می شوند.

گفته شده است برای بلوغ شرعی نمی توان سن خاصی تعیین کرد، بلکه باید



طرح: علی مفردی، نگاه تازه

با توجه به مختصات محیط و طبیعت بدن سن تمیز را تشخیص داد و علاوه بر این گفته شده برای آن که فرد مسؤولیت جزایی بیابد، رشد حقوقی یعنی تشخیص نفع و ضرر کافی نیست، بلکه احراز رشد جزایی لازم است به این معنا که قدرت تمیز خوب و بد از یکدیگر را داشته باشد. [۴]

«آرای دادگاه های ایران در مورد اطفال، سپردن به سرپرست، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، تنبیه بدنی، شلاق و تعزیر و تادیب است.»

در تبصره ۴ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودکان آمده است که، «مواظبت، راهنمایی، مشاوره، آزادی با مراقبت، سپردن به خانواده های دیگر، اجرای برنامه های آموزش عمومی و حرفه ای و اقداماتی دیگر باید در جهت اصلاح و تربیت، حفظ منافع و منطبق با موقعیت طفل و جرم باشد.»

طبق قوانین ایران اگر یک نوجوان زیر هجده سال به اعدام محکوم شود، اجرای حکم تا هجده ساله شدن فرد محکوم به تاخیر می افتد.

لایحه جدید آیین دادرسی دادگاه اطفال و نوجوانان:

در لایحه جدید آیین دادرسی دادگاه اطفال و نوجوانان، در سه گروه سنی ۹ تا ۱۲، ۱۲ تا ۱۵ و ۱۵ تا ۱۸ مجازات هایی تعیین شده است و در این گروه ها مجازات تنبیهی نظیر شلاق و اعدام در نظر گرفته نشده است. در ماده ۳۳ این قانون آمده است «در جرایمی که مجازات قانونی آن قصاص یا حد است، هرگاه در رشد و کمال عقل مرتکب شبهه وجود داشته باشد دادگاه اطفال و نوجوانان وی را به یکی از مجازاتهای مذکور در بند ۲ و ۳ ماده ۳۱ این قانون محکوم می نماید.»

تبصره: دادگاه اطفال و نوجوانان برای تشخیص رشد و کمال عقل می تواند از نظر پزشکی قانونی یا از هر طریق دیگری که مقتضی بداند، استفاده کند.»

منظور از بند ۲ و ۳ ماده ۳۱، حبس در کانون اصلاح و تربیت از ۶ ماه تا ۳ سال در مورد جرایمی که مجازات آن سه سال و حبس در کانون اصلاح و تربیت از ۲ سال تا ۸ سال در مورد جرایمی که مجازات آن حبس ابد یا اعدام است، می باشد.

کلیات این لایحه در شهریور ۱۳۸۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

رییس قوه قضاییه در جلسه مسؤولان عالی قضایی با بیان این که تعزیرات برای اطفال زیر ۱۸ سال نباید اجرا شود و نباید حکم تعزیرات سنگینی برای اطفال زیر ۱۸ سال صادر شود، اظهار داشته است: «مجازات تعزیری در سنین زیر ۱۸ سال باید جنبه تربیتی داشته باشد و نه تنبیهی، در مسؤولیت های جزایی باید نکاتی را که می توان در رفع اجرای حکم در طفلی که بالغ شده است اما رشید نیست، استفاده کرد و دادگاهادر این زمینه باید ادله لازم را بپذیرند.» [۵]

خشونت علیه کودکان:

به طور کلی آزار و شکنجه کودکان به سه دسته تقسیم بندی می شود: کودک آزاری جسمی که شامل تنبیه بدنی، محروم کردن کودک از غذا و پوشاک می شود، کودک آزاری جنسی که در دایره ای بزرگ تر شامل سوءاستفاده جنسی اطرافیان، نزدیکان و افرادی است که کودک به نوعی به آنها اعتماد دارد و

تعداد کودکانی که کار می کنند، حدوداً برابر کودکانی است که آموزش نمی بینند. کودکانی که کار می کنند معمولاً تحصیل را نیز رها کرده اند، مگر کودکانی که تنها در فصل تابستان مشغول کار هستند که تعداد کمی را شامل می شوند. اکنون در ایران ۶ میلیون کودک بازمانده از تحصیل داریم



کودک آزاری که شامل بی توجهی و غفلت به نیازهای کودکان است. براساس یک تحقیق انجام شده با همکاری وزارت بهداشت و یونسف در رابطه با وضعیت کودک آزاری در ایران، حدود ۲۰ درصد از کودکان ۶ تا ۱۱ ساله و بیش از ۹ درصد از نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال، تنبیه بدنی می‌شوند.[۶]

«مریم خامی» دبیر وقت انجمن حمایت از کودکان بد سرپرست سازمان بهزیستی استان اصفهان در گفت‌وگو با ایرنا اظهار داشته است که: «۸۰ درصد از کودک آزاران از نزدیکان کودکان هستند که قربانیان خود را از میان پسران شش تا ۱۰ سال و دختران ۱۰ تا ۱۵ سال انتخاب می‌کنند. وی با اشاره به وجود پرونده‌های کودک آزاری در این انجمن تصریح کرد: «اغلب کودکان آزار دیده دارای تنی کبود، سوخته و یا دچار شکستگی هستند. خامی با اشاره به این که کودکان رده چهار تا هفت سال بیش از دیگر رده‌ها در معرض کودک آزاری قرار دارند، گفت: «این گروه سنی با ۳۰ درصد، گروه از بدو تولد تا ۳ سالگی و نیز از ۸ تا ۱۱ سالگی هر یک با ۲۶ درصد و گروه ۱۲ تا ۱۵ سال با ۱۵ درصد، بیشترین گروه سنی تحت کودک آزاریها قلمداد می‌شوند.»

بر اساس آمار سازمان بهزیستی، ۶۶ درصد کودک آزاری‌ها از سوی مردان اعمال می‌شود و دختران بیش از پسران در معرض کودک آزاری قرار می‌گیرند.

تحقیقات نشان می‌دهد بیش از ۹۰ درصد کودک آزاری‌ها در محیط خانه اتفاق می‌افتد و این در حالی است که پدران با ۴۸/۵ درصد، بالاترین و پس از آن مادران با ۲۸/۳ درصد در ردیف بعدی عوامل کودک آزاری جسمانی در خانواده‌های کودک آزار قرار دارند. از سوی دیگر، پژوهشی که بر روی ۵۸۵ کودک کار خیابانی در گروه سنی ۶ تا ۱۸ سال و به منظور اطلاع از وضعیت زندگی این کودکان صورت گرفته، بیانگر این واقعیت تلخ است که بیش از ۵۰ درصد این کودکان توسط اعضای خانواده و یا صاحبان کار خود، در محل کار مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند.[۷]

«ممانعت از تحصیل»، «سوء رفتار جسمی»، «ضرب و شتم»، «بهره‌کشی کاری»، «غفلت جسمانی عاطفی و جنسی» و «بی‌توجهی به درمان و تغذیه» در قانون «حمایت از کودکان و نوجوانان» مصوب مجلس شورای اسلامی در سال ۸۱ به عنوان مصداق‌های کودک آزاری نام برده شده است.

در ماده ۲ این قانون آمده است که: «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد، ممنوع است.»

این قانون طبق ماده ۷ خود مشروط به ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی می‌شود که طبق ماده ۵۹ آنچه در خانه می‌گذرد، به نام تادیب و تربیت فرزند خارج از شمول این قانون قرار می‌گیرد.

ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی چنین می‌باشد: «اعمال زیر جرم محسوب نمی‌شود:

۱- اقدامات والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تادیب یا حفاظت آنها انجام شود مشروط به اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف

تادیب و محافظت باشد ...»

در ماده ۵ قانون «حمایت از کودکان و نوجوانان» تصریح شده است که کودک آزاری از جرایم عمومی است و نیازی به شاکی خصوصی ندارد.

با این وجود نبود شاهد، وحشت کودک، مسایل حیثیتی خانواده، ترس برخی مادران از طلاق و ضرب و شتم از سوی همسران و یا دیگران بخصوص خانواده همسر و آموزش ندادن مربیان و مدیران مدارس و دانش‌آموزان برای آگاهی بخشیدن به کودکان در مقابل کودک آزاریها از دلایل اصلی پنهان ماندن خشونت علیه کودکان است.

پزشکان نیز معمولاً موارد کودک آزاری را گزارش نمی‌دهند. قانونی وجود ندارد که پزشک را ملزم کند که موارد کودک آزاری را به مراجع ذیصلاح گزارش دهد.

نیز طبق قانون مجازات اسلامی پدر یا جد پدری در صورت قتل فرزند، مجازات نمی‌شوند؛ در ماده ۲۲۰ این قانون آمده است: «پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد.»

کودکان بی سرپرست:

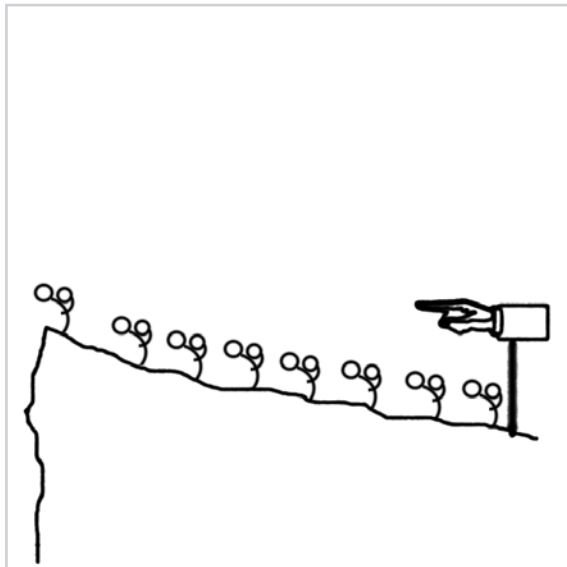
هم اکنون ۱۸ هزار و ۵۰۰ کودک تحت پوشش سازمان بهزیستی هستند. سازمان بهزیستی اعلام کرد: ۳۹۱ خانه کودک و نوجوان در کشور فعال است که ۱۵۰ خانه به

صورت دولتی و ۲۴۱ خانه به صورت غیردولتی اداره می‌شود.

به گزارش ایلنا، سازمان بهزیستی اعلام کرد: ۴ هزار و ۶۶ کودک و نوجوان در خانه‌های دولتی و ۴ هزار و ۳۰۹ نفر در خانه‌های غیردولتی نگهداری می‌شوند.

بر اساس این گزارش، ۱۴/۵ درصد کودکان بر اثر فوت والدین، ۳ درصد آنها به دلیل بیماری صعب‌العلاج، ۳/۵ درصد آنها بر اثر مفقود شدن والدین و ۹/۵ درصد آنها بر اثر زندانی شدن والدین در این خانه‌ها نگهداری می‌شوند. همچنین، ۱۹/۵ درصد کودکان به دلیل عدم صلاحیت والدین، ۱۳/۵ درصد بر اثر جدایی والدین و ۱۶/۵ درصد آنها بر اثر رهاشدگی به این خانه‌ها انتقال

نبود شاهد، وحشت کودک، مسایل حیثیتی خانواده، ترس برخی مادران از طلاق و ضرب و شتم از سوی همسران و یا دیگران بخصوص خانواده همسر و آموزش ندادن مربیان و مدیران مدارس و دانش‌آموزان برای آگاهی بخشیدن به کودکان در مقابل کودک آزاریها از دلایل اصلی پنهان ماندن خشونت علیه کودکان است



طرح: علی مفردی، نگاه تازه

داده شده‌اند. [۸]

یافته و افزایش هزینه‌های زندگی از عوامل موثر پیدایش و گسترش کودکان کار است، در کشورهای صنعتی، رکود اقتصادی و بیکاری رو به گسترش باعث پیدایش دوباره نوعی از کار کودکان است.

بر اساس نتایج تحقیق سازمان بین المللی کار ۱۴ درصد از کودکان، در ایران مشغول کارند، که بر مبنای آمار غیر دولتی فقط ۳۵ هزار کودک کار در تهران ساکن هستند.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی در اردیبهشت ۸۲ با اعلام آنکه ۱۵ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر است، اعلام کرد ۳۸۰ هزار کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله در سراسر کشور کار ثابت دارند، ۳۷۰ هزار کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله کار فصلی می کنند و بیش از ۷۰۰ هزار کودک رسماً کار می کنند.

طرح ساماندهی کودکان کار و خیابان با همبستگی بهزیستی، قوه قضائیه، یونسف، شهرداری، وزارت کار، وزارت کشور و سازمان های دولتی در سال ۸۲ به تصویب رسید و در سال ۸۴ همچنین با عنوان آغاز اقدامات قانون ساماندهی کودکان کار، ۱۱ ارگان دولتی نیروی انتظامی، وزارت دادگستری، شهرداری، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت بهداشت، سازمان بیمه و خدمات درمانی، سازمان تامین اجتماعی، سازمان صدا و سیما، جمعیت هلال احمر، وزارت آموزش و پرورش و کمیته امداد، اعلام شروع به کار کردند.

طبق آمار سازمان بهزیستی کشور آمار کودکان کار در سال ۱۳۸۴، ۷۸۴ هزار نفر بوده است. تفاوت فاحش میان آمار کودکان کاری که تحت پوشش بهزیستی قرار می گیرند با آمار تخمین زده شده توسط کارشناسان، نشانگر مخفی ماندن تعداد قابل توجهی از این کودکان است. براساس یک سرشماری که ۱۰ سال قبل در کشور انجام شد، حدود ۱۲ درصد از جمعیت ۱۰ تا ۱۹ ساله کشورمان فعالیت اقتصادی دارند. [۱۱]

سازمان بین المللی کار نیز اعلام کرده است در سال ۲۰۰۰ از هر ۶ کودک در سراسر جهان، یک نفر فعالیت اقتصادی داشته است. [۱۲]

طبق آمار رسمی ۱/۵ درصد از کل شاغلان کشور را کودکان کار تشکیل می دهند اما آمار واقعی کودکان کار بسیار بیش از آمار رسمی می باشد. با وجود حدود ۲۴ میلیون جمعیت زیر ۱۸ سال در کشور، ۱۸ میلیون از این افراد مشغول به تحصیل می باشند و احتمالاً بقیه ۶ میلیون به سر کار می روند.

کار کودکان به علت دستمزد پایین آنان برای کارفرمایان سود زیادی دارد. ضمن اینکه به علت غیر قانونی بودن کار کودکان از مزایایی نظیر بیمه و بهداشت حین کار هم محروم می باشند. سود کار کودکان برای اقتصاد جهانی حدود ۷۶۰ میلیارد دلار می باشد که از گستردگی استفاده از کودکان برای کار خبر می دهد. به طوری که اکنون حدود ۲۰۰ میلیون کودک در سراسر جهان به کار مشغول اند.

در ماده ۷۹ قانون کار ایران آمده است: «به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است» و در ماده ۸۰ به تعریف کارگر نوجوان اشاره شده است. ماده ۸۰ می گوید: «کارگری که سنش بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام باشد، کارگر نوجوان نامیده می شود و در بدو استخدام باید توسط سازمان تامین اجتماعی

معاون وقت امور اجتماعی وزارت کشور در تاریخ ۲۳ تیرماه ۸۲ طی مصاحبه ای با ایرنا خبر از تخصیص یک میلیارد تومان اعتبار عمرانی جهت ساخت مراکز نگهداری کودکان خیابانی داد. وی اعلام کرد: «چه کودکان خیابانی و چه متکدیان درصد کمی از جامعه را تشکیل می دهند و جزو مسایل اصلی جامعه محسوب نمی شوند اما به دلیل اینکه نماد بیرونی جامعه ما متاثر از این کودکان می شود، دولت توجه ویژه ای به آنها دارد.»

عشقی ثانی، مدیرکل وقت دفتر شبه خانواده بهزیستی گفته است: «بر اساس قوانین موجود فرزندخواندگی، امکان واگذاری سرپرستی کودکان، تنها شامل ۱۵ درصد از کودکان سپرده به بهزیستی می شود.» این به این معنی است که ۸۵ درصد کودکان بهزیستی امکان فرزندخواندگی ندارند. وی افزود: «۲۰ درصد از کودکانی که به مراکز سپرده شده اند با توجه به قوانین فعلی قابل واگذاری اند که از این بین ۵ تا ۷ درصد به دلیل معلولیت متقاضی ندارند.»

عشقی ثانی در توضیح قوانین جاری می گوید: «بر اساس قوانین فعلی، کودکانی را می توان به عنوان فرزندخوانده به خانواده های متقاضی سپرد که فاقد پدر، مادر و جد پدری باشند. بر اساس این قانون ۸۰ درصد از کودکان سپرده شده به بهزیستی غیرقابل واگذاری هستند، چرا که این کودکان غالباً پدر و مادر دارند و والدینشان طلاق گرفته، متواری شده یا زندانی اند.»

تعداد متقاضیان فرزندخواندگی پنج برابر ظرفیت کودکان است. در سال ۸۴ تنها یک هزار کودک به عنوان فرزندخوانده در اختیار خانواده ها قرار گرفته است. وی گفت: «پیش نویس قانون جدید فرزند خواندگی با رفع نواقص فعلی به صورت مشترک با همکاری قوه قضائیه و سازمان بهزیستی تدوین شده است که در مراحل تصویب قرار دارد... در اصلاحیه پیشنهادی، پیش بینی شده است حدود ۵۰ درصد کودکان تحت حضانت سازمان بهزیستی قابل واگذاری دائمی به متقاضیان به عنوان فرزند خوانده باشند.» [۹]

کودکان کار: [۱۰]

کودکان کار به دو دسته تقسیم می شوند، کودکانی که به کار تولیدی یا خدماتی مشغول هستند و کودکان خیابانی. کودکان خیابانی عمدتاً مشکلات بیشتری دارند و مورد سوءاستفاده بیشتری قرار گرفته و خطر بیشتری آنها را تهدید می کند.

گرایش به مصرف سیگار و مواد مخدر، بهره کشی از آنان به صورت فروش یا اجاره، مشارکت در ارتکاب جرایم از جمله قتل، سرقت و توزیع مواد مخدر، فروش اعضای بدن، قرار گرفتن در باندهای فساد و قاچاق به سایر کشورها از پیامدهای حضور در خیابان است.

در باره علل پدیده کار کودکان، می توان به فقر خانواده های این کودکان و عدم دریافت بیمه بیکاری کافی از طرف دولت اشاره کرد. کارشناسان اقتصادی به این باورند که پیدایش کار کودکان از منطقه ای به منطقه دیگر کاملاً متفاوت است. در حالی که در کشورهای در حال توسعه، رکود اقتصادی، بیکاری، مهاجرت وسیع روستاییان به شهرها، فقر گسترش

کودکانی را می توان به عنوان فرزندخوانده به خانواده های متقاضی سپرد که فاقد پدر، مادر و جد پدری باشند. بر اساس این قانون ۸۰ درصد از کودکان سپرده شده به بهزیستی غیرقابل واگذاری هستند

کار کودکان به علت دستمزد پایین آنان برای کارفرمایان سود زیادی دارد. ضمن اینکه به علت غیر قانونی بودن کار کودکان از مزایایی نظیر بیمه و بهداشت حین کار هم محروم می باشند

۱۶

نگاه تازه

سال نهمین

شماره ۱۲

بهار ۸۶

تیرماه ۱۳۸۶

تیرماه ۱۳۸۶

مورد آزمایشهای پزشکی قرار گیرد.» ماده ۸۳ قانون کار ارجاع هر نوع کار اضافی، انجام کار در شب، ارجاع کارهای سخت و زیان آور و خطرناک و حمل بار با دست بیش از حد مجاز و استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگر نوجوان را ممنوع کرده است. ماده ۸۴ مشاغلی را که به علت ماهیت یا شرایط کار برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوانان زیان آور باشد، تنها برای سنین بالای ۱۸ سال مجاز دانسته و تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است. اگر چه استخدام کودکان غیرقانونی و دارای مجازات می باشد، چون کارگاه های زیر ۵ نفر از زمره خدمات کار و تامین اجتماعی خارج است بخش زیادی از کودکان نیز از شمول حمایتی قانون خارج شده اند.

این همه در حالی است که ماده ۲ از مقاله نامه ۱۸۲ سازمان بین المللی کار، اصطلاح «کودک» را برای تمام اشخاص کمتر از ۱۸ سال مورد استفاده قرار می دهد. همچنین کنوانسیون جهانی حقوق کودک که دولت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۳ به آن پیوسته نیز، تمامی افراد کمتر از ۱۸ سال را در زمره کودکان به شمار می آورد. این نکته قابل ذکر است که یکی دیگر از مقاله نامه های سازمان بین المللی کار، مقاله نامه ۱۳۸ بوده که به «مقاله نامه حداقل سن کار» موسوم است و با هدف برچیدن کامل کار کودک تهیه شده و تاکید دارد که اشتغال به کارهایی با احتمال وجود خطری از بابت تهدید بهداشت، ایمنی یا اخلاق کودک برای افراد کمتر از ۱۸ سال ممنوع است. دولت ایران هنوز به این مقاله نامه نیوسته است. [۱۳]

کودکان مهاجر:

هزاران کودک در ایران بدنیا آمده اند و زندگی می کنند بدون اینکه شناسنامه و تابعیت ایرانی داشته باشند و بتوانند مانند دیگر همسالان خود تحصیل کنند.

کودکان مورد نظر مادرانی، ایرانی و پدرانی، عمدتاً افغانی یا عراقی دارند و به این علت که طبق قوانین موجود در ایران تابعیت تنها از پدر می تواند منتقل شود، تابعیت ایرانی ندارند و از حقوق شهروندی محروم هستند.

تعداد این کودکان در شهرهایی نظیر مشهد و در دیگر شهرهای نزدیک مرزهای ایران زیاد می باشد. جایی که انبوه پناهندگان افغانی و عراقی طی سالهای جنگ و نابسامانی کشورهایشان در آن پناه گرفتند، ازدواج کردند و بچه دار هم شدند.

تعداد این کودکان در مشهد طبق آمار وزارت اطلاعات ۳۰۰۰۰ کودک بدون تابعیت گزارش شده است. ۳۰۰۰۰ کودکی که نمی توانند از امکان تحصیل در مدارس ایرانی برخوردار باشند. [۱۴]

استدلال دولت این است که مادران این کودکان باید قوانین را می دانستند و با پذیرش این مسأله که اگر با شوهران غیر ایرانی ازدواج کنند کودکانشان ایرانی نیستند، تصمیم به ازدواج می گرفتند.

کسی تاکنون نپرسیده است که کودکان چه طور؟ قبل از تولد باید کدام کتابچه قوانین را مطالعه می کردند؟ متأسفانه این کودکان باید تاوان یک ازدواج را بدهند و در حالی که نقشی در تولد خویش نداشته اند، از حقوق

شهروندی خویش محروم شوند. قانون متأسفانه تابعیت را تنها از مردان قابل انتقال می داند و شهروند ایران بودن در قوانین دولتی ایران تنها توسط مردان به کودکان سرایت می یابد.

پیشنهاد این است که قوانین تابعیت تغییر یابند به نحوی که تابعیت از مادران نیز انتقال یابد و هر کودکی که در ایران به دنیا آمده است تابعیت ایران را داشته باشد تا هر کودکی که در ایران زندگی می کند بتواند حقوق شهروندی یکسان با بقیه داشته باشد. به یاد داشته باشیم که کودکان هیچ تقصیری ندارند؛ همین یک استدلال کافی است که به تمام کودکان جهان حق زندگی برابر و شاد بدهیم.

کودکان شهروندان بی تکلیف جامعه هستند. کسانی که صرفاً حقوق شهروندی دارند و هیچ تکلیفی برای انجام کاری یا برعهده گرفتن بار مسؤولیتی ندارند. وقتی کودکان را شهروند جامعه بدانیم، بدهی است که زندگی و حیات آنان و برخورداری آنان از امکانات همگانی جامعه، مستقل از اینکه در کدام خانواده بدنیا آمده اند، می بایست تامین شود.

منابع:

- ۱- سرمایه، ۲۹ فروردین ۱۳۸۵.
- ۲- ایران، شنبه ۱۹ شهریور ۱۳۸۴.
- ۳- «بررسی لایحه جدید آیین دادرسی دادگاه اطفال و نوجوانان، با نگاهی به تجربه قانونگذاری درگذشته»، سایت اینترنتی بهروز جوانمرد، ۱۳۸۴/۹/۲۵.
- ۴- همان منبع.
- ۵- ایسنا، ۲۹ مهر ۱۳۸۵.
- ۶- ایرنا.
- ۷- خبرگزاری مهر، ۱۵ مهر ۱۳۸۴.
- ۸- ایرنا، ۸۵/۵/۲۹.
- ۹- سایت رسمی سازمان بهزیستی.
- ۱۰- فصلنامه نگاه تازه، شماره ۱۱، زمستان ۸۵. برای دسترسی به نوشتار تکمیلی در حوزه کارگران، رک به مقاله (نا)وضعیت بعلاوه ی ۵۷.
- ۱۱- فاطمه شهریزفر، سایت انجمن حمایت از کودکان کار.
- ۱۲- همشهری آنلاین.
- ۱۳- شرق، سه شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۵.
- ۱۴- کودکان پشت درهای مدرسه، غزاله حسینی، سایت کانون امروز.

هزاران کودک در ایران

بدنیا آمده اند و زندگی می کنند بدون اینکه شناسنامه و تابعیت ایرانی داشته باشند و بتوانند مانند دیگر همسالان خود تحصیل کنند.

کودکان مورد نظر مادرانی، ایرانی و پدرانی، عمدتاً افغانی یا عراقی دارند و به این علت که طبق قوانین موجود در ایران تابعیت تنها از پدر می تواند منتقل شود، تابعیت ایرانی ندارند و در حالی که نقشی در تولد خویش نداشته اند از حقوق شهروندی محروم هستند